

برسی تاریخی خاور میانه

فلسطین - اسرائیل

بخش ۶

صهیونیسم سیاسی، احزاب و سازمان‌های اسرائیلی

مترجم: مرجان افتخاری

7.12.2006

صهیونیسم سیاسی

برای ناتان برنوم (Nathan Birnbaum) کسی که برای اولین بار اصطلاح یا لفظ صهیونیسم را بکار برد، صهیونیسم به این معنی بود که یهودیان سنت‌های قدیمی را کنار گذاشته و با یک برنامه سیاسی به سمت سرزمین اجدادی-اسرائیل رو آورند. یعنی گذار از یک صهیونیسم بشر دوستانه به یک صهیونیسم سیاسی. رابطه بین یهودیان و سرزمین اجدادی-اسرائیل انگیزه اصلی این جنبش بود.

بازگشت به سرزمین اجدادی در قرن ۱۹ به یک حرکت سیاسی تبدیل شد. پیشگام این جنبش در ابتدا دو رهبر مذهبی بنام‌های آلکالائی (Alkalai 1798-1878) و کالیشر (Kalischer 1795-1874) و یک غیر مذهبی بنام هس (Moses Hess 1812-1875) بودند. برای کالیشر هدف، بازگشت یهودیان تبعیدی به سرزمین مقدس اورشلیم بود هدف هس که متأثر از فلسفه هگل و ستایش کننده مارکس بود، احیاء و اسکان یهودیان در فلسطین مطرح شد. او در کتاب خود "رم و اورشلیم" به صراحت به این موضوع اشاره کرده است. او عمیقاً اعتقاد داشت که "برای پیشرفت اجتماعی ملت یهود، استقلال یک عنصر ضروری است". هر سه آنها علیرغم اختلافات نظری، برای انتشار استقلال و بازگشت به سرزمین اجدادی در بین یهودیان کشور-های غربی و شرقی با هم همکاری کردند.

ولی پس از چندی یکی از تنورسین-های این ایده بنام تئودرهرزل (Theodor Herzl) بنیان گذار صهیونیسم مدرن محسوب شد. هرزل رهائی و آزادی از قیومیت مذهب را تحلیل کرد. او توانست سر نوشت هزاران یهودی را که در اروپا در حال نابودی بودند درک کند. ناسیونالیسم اسرائیلی و تشکیل دولت یهود از ویژگی-های نظرات او است. او اعتقاد داشت، که ملت یهود نمی تواند به شکوفائی دست یابد مگر در سرزمینی متعلق بخود مانند فلسطین با گذشته تاریخی آن. بنیان گذار صهیونیسم آماده بود که در صورت ضرورت اورشلیم را در جای دیگری غیر از اسرائیل بوجود آورد.

اولین کنگره صهیونیسم در اوت ۱۸۹۷ در شهر بل (Bâle) در سوئیس بر گذار شد. در این کنگره، صهیونیسم چنین تعریف شد " صهیونیسم خواهان ایجاد و بر پائی کانونی در فلسطین در چهار چوب قوانین بین الملل برای ملت یهود است." البته فلسطین ارجحیت داشت ولی میتوانست جای دیگری، گوشه دیگری از دنیا هم بدین منظور در نظر گرفته شود. هدف هرزل بین المللی کردن صهیونیسم سیاسی و مشکلات یهودیان بود. به همین دلیل در کنگره پنجم در سال ۱۹۰۱، موضوع صهیونیسم و آموزش آن را بعنوان یک موضوع ملی و غیر مذهبی مطرح کرد.

گرایش-های جنبش صهیونیسم

۱- سوسیالیست-ها: اکثر مهاجرین سال-های ۱۹۲۳-۱۸۸۲ جزء این گروه قرار داشتند، آنها موسسات و سازمان-هائی را پایه گذاری کردند که بیانگر و سمبل دولت آینده اسرائیل بود. مانند آژانس یهود، سیستم توزیع و گواهی مهاجرت برای یهودیان، مشاور ملی و ایجاد مسکن برای آنان.

۲- لیبرال-ها: اقلیت مهاجرین را تشکیل میدادند، آنان مخالف برنامه-ها و کار کرد سوسیالستی-ها بودند. لیبرال-ها سیاست خصوصی سازی شرکت-ها، کارخانجات و مزارع را در نظر داشتند. ولی علیرغم اختلافات، دو گرایش با هم در مورد تحقق پذیری آرزوی یهودیان موافق بودند. در طی سال-ها تبعید ملت یهود چه مذهبی و غیر مذهبی به نقش ملی کاملاً آگاه بودند. از دیر باز احیاء زبان عبری و آرزوی باز گشت به سر زمین اسرائیل جزء ویژگی-های یهودیان تبعیدی بود. برای مذهبی-ها و غیر مذهبی-ها هویت به معنی انجام فرائض دینی نبود. برای آن-ها ناسیونالیسم مهمتر از هر چیز دیگری بود. برای سوسیالیست-ها دوران مذهب سپری شده بود و مذهب نقش زائدی داشت. آن-ها اعتقاد داشتند که

صهیونیسم سیاسی باید در عرصه جامعه، جایی غیر از کنیسا-ها (سیناگوگ) فعالیت داشته باشد. کنیسا-ها جای مناسبی برای مبارزه سیاسی-طبقاتی نیستند.

دین یهود هم مانند سایر ادیان دارای طیف-های نظری مختلف است مانند: مذهبیون تندرو (Ultra-religieux)، مذهبیون مدرن، خردگرایان و صوفی-ها. در کشور-های انگلیسی زبان مذهبیون یهود را به لیبرال، محافظه کار و ارتودکس تقسیم کردند.

ارتودکس-های یهودی به چند گروه تقسیم می شوند.

۱- آنهایی که صهیونیسم و دنیای مدرن را میپذیرند

۲- گروهی که به کاست-های (Secte) مختلف اعتقاد دارند. آن-ها تلاش میکنند شناخت و آشنائی محدودی را در باره آنچه که در جهان می گذرد داشته باشند. برای آنها تمام ایسم-ها مانند (سوسیالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم) در واقع دام-های مختلفی هستند و صهیونیسم یک مبارزه بسیار خطرناک به نظر میرسد. آنها گرایش-های ضد صهیونیستی داشتند و صهیونیست-های سیاسی را خطرناک اعلام کردند. ایده تشکیل دولت یهود کاملاً نا بجا و غیر عادی به نظر می-آید، و با صهیونیست-های سوسیالیست به مبارزه پرداختند.

موهیلور (Mohilever 1824-1898) یکی از رهبران این جریان، تلاش کرد تا دو گرایش ارتودکسی را در هم ادغام کند. برای او آینده یهودیان بیش از هر چیزی مهم بود. با این هدف موهیلور، از شخصی بنام ادموند دو روتچیلد (Edmond de Rothschild) درخواست کرد تا اولین تاسیسات کشاورزی یهودیان را در فلسطین ایجاد کند. او هواداران خود را تشویق کرد تا شهر پتا تقوا (Petah Tiqvah) را بسازند، زیرا ایجاد یک کانون، هر چند کوچک در سر زمین اسرائیل حائز اهمیت بود. مهم اینکه در سال ۱۸۸۸ ارتودکس-های ضد صهیونیسم و ضد مدرنیسم اجازه دادند که کشاورزان یهودی در این مزارع کار کنند. چند سال بعد، آنها در کنگره "جامعه کمک کنندگان به مزرعه داران و پیشه وران یهودی در سوریه و فلسطین" شرکت کردند.

تشکیلات ارتودکس مذهبی میزراهی (Mizrahi)

ارتودکس-های صهیونیست اولین کنگره خود را در پرسبورگ در مجارستان (Pressburg) در سال ۱۹۰۴ بر گزار کردند. در این کنگره اعلام شد، که میزراهی یک سازمان صهیونیستی با پیروی از تورات و فرمان-های آن برای زنده نگهداشتن یهودیان تلاش خواهد کرد، و باز گشت به سر زمین اجدادی را در طرح و برنامه خود قرار داد.

این جنبش، ابتدا در اروپا و سپس در آمریکا گسترش یافت. برای اولین بار میزراهی در فلسطین در سال ۱۹۱۸ در جافا (Jafa) تشکیل شد. دو سال بعد مرکز جهانی این تشکیلات به اورشلیم انتقال یافت. تنها تشکیلات صهیونیستی مستقر در شهر مقدس. گسترش میزراهی، جدائی و گروه-بندی-هائی را در بین کارگران مهاجر ارتودکس در سال-های ۱۹۲۳-۱۹۱۹ بوجود آورد. کارگران که اکثریت مهاجرین را تشکیل میدادند و دارای گرایشات سوسیالیستی بوده و گرایشات بورژوازی میزراهی را نمی پذیرفتند. کارگران ارتودکس خواسته-های عینی که تلفیقی از حقوق کارگری و مذهبی بود را مطرح میکردند. مانند (حق تعطیلات هفتگی، حق تعطیلات مذهبی). بالاخره کارگران سازمان مستقل خود بنام سازمان کارگران میزراهی (Hapoel Hamizrahi) را بوجود آوردند

کارگران میزراهی (Hapoel Hamizrahi)

یک سازمان کارگری مذهبی، که ایجاد دولت کارگری-مذهبی در سر زمین اسرائیل را هدف خود قرار داده بود. یک جنبش سوسیالیستی-مذهبی از کارگران کشاورزی و صنعتی که از مبارزه طبقاتی حمایت نمی کرد، ولی از سندیکای مرکزی هیستادروت (Histadrout) در سطح حرکت-هائی بنفع کارگران ارتودکس مانند، بانک مشارکت، بورس کار، صندوق بیمه بیماری و غیره حمایت میکرد.

آگودا (Agouda)

در سال ۱۹۰۹ خاخان-های (Rabbins) آلمان، لهستان، روسیه، لیتوانی و مجارستان در شهر بد هامبورگ (Bad) در یک گردهمایی، جنبش بنیاد گرای (Agoudat Israël) یا "اتحاد اسرائیل" را پایه گذاری کردند. در اولین کنگره خود

در ۱۹۱۲ اعلام کرد که فعالیت-هایش را برای یهودیان و یهودیت بر پایه و اساس تورات بدون در نظر گرفتن هیچگونه جنبش سیاسی پایه ریزی کرده است، و برای رسیدن به این هدف یک هیئت خیرگان تورات بدون ملاحظه سیاسی تشکیل داد. آگودا حاضر به هیچ نوع همکاری و تفاهم و توافقی با احزاب و تشکیلات غیر مذهبی نبود. و همیشه میزراهی را بخاطر همکاری با غیر مذهبی-ها مورد انتقاد قرار میداد. با اوج گیری نازیسم در اروپا و مشکلات پناهندگان یهودی جهت گیری سیاسی آگودا ضروری به نظر آمد، و پاسخ سریع به مهاجرت یهودیان اجتناب ناپذیر بود. آگودا عقب نشینی کرد و مجبور شد آژانس یهودی (Agence juive) و سازمان صهیونیستی فلسطین را به رسمیت بشناسد. در اثر اختلافات و فشار-های داخلی، کارگران این جریان در سال ۱۹۲۳ سازمان مستقل خود بنام پولی آگودا (Poalei PAI'Agoudat) را در شهر لودز در لهستان (Lozd) تشکیل دادند.

پولی آگودا، دفاع از حقوق اقتصادی و مذهبی اعضاء را هدف خود قرار داد. و اولین کنگره خود را در سال ۱۹۳۳ در فلسطین تشکیل داد. کارگران برای دفاع از حقوق خود شرکت در جنبش سندیکائی را ضروری میدانستند و برای خرید زمین با آژانس یهودی همکاری کردند. ایجاد جامعه-ای که کارگران یهودی بتوانند به آزادی در آن زندگی کنند، و تشکیل دولت اسرائیل را جزء اهداف خود قرار دادند. با تشدید اختلافات بین سازمان کارگران و آگودا، کارگران احساس کردند که بیشتر به کارگران ارتودکس نزدیک هستند. آنها تصمیم گرفتند فدراسیون کارگران ارتودکس (Fédération des Travailleurs orthodoxes) را مستقل از آگودا تشکیل دهند. در نهایت آگودا مجبور شد دولت اسرائیل را بپذیرد. ایجاد جامعه-ای با مفاهیم و جهت-گیری مذهبی هدف هر دو حزب مذهبی آگودا و میزراهی بود. آنها دو موضوع را در برنامه انتخاباتی خود قرار دادند.

۱- لغو خدمت سربازی برای مرد-ها و جایگزینی آموزش مذهبی به جای آن

۲- محدود کردن فعالیت زنان (فعالیت زنان فقط در حوضه خانواده قابل قبول بود)

آگودا بعد-ها کاملاً در حاشیه قرار گرفت و در سال ۱۹۴۸ از صحنه سیاسی خارج شد. چهار حزب مذهبی میزراهی، کارگران میزراهی، آگودا و کارگران آگودا تحت عنوان جبهه مذهبی (Front religieux) در انتخابات پارلمانی ۱۹۵۱ ۱۲،۲٪ آراء را به خود اختصاص دادند. یعنی ۱۶ کرسی از ۱۲۰ کرسی.

میزراهی و حزب کارگران آن بر عکس احزاب دیگر در نهایت موافقت خود را در مورد برابری زن و مرد از نظر قضائی و مذهبی اعلام کردند. در ۱۷ ژوئن ۱۹۵۱ قانون برابری حقوق زنان و مردان با کمک و حمایت وزیر مذاهب که از حزب میزراهی بود به تصویب رسید. در طول این سال-ها تمام احزاب مذهبی کوچک و بزرگ، صهیونیستی به اهمیت تشکیل دولت اسرائیل و استقلال آن واقف بودند.

احزاب مذهبی . صهیونیسم (۱۹۸۴-۱۹۹۰)

در سال ۱۹۸۴، تغییرات مهمی در بین احزاب مذهبی دیده شد. انشعابات متعدد باعث بوجود آمدن احزاب کوچکی شد که یا پس از مدتی از صحنه سیاسی کنار رفتند یا بطور کلی ناپدید شدند. جند نمونه از این انشعابات که تا حدودی دارای اهمیت هستند عبارت از تامی و شاس (Tami et Shas)

سوفراد مهاجرین آفریقائی و آسیائی (Sepharad)

در سال-های ۱۹۵۱-۱۹۴۸، 685,000 نفر یهودی به فلسطین مهاجرت کردند که نیمی از آنها از قتل عام-های نازی نجات پیدا کرده بودند. هم زمان به همین تعداد، مهاجر آفریقائی و آسیائی (120,000 از عراق، 45,000 ، از یمن و 30,000 نفر از مراکش) وارد فلسطین شدند. تمام این مهاجرین وارد جامعه-ای شدند از نوع غربی، با ایده-های سوسیالیستی حزب کاگر، که کنترل تمام تاسیسات، نهاد-ها و موسسات را در دست داشت. در حالی که اکثر این مهاجرین پیشه ورانی بودند که از مالکیت خصوصی حمایت میکردند. برای سوفراد، جدائی و رهائی از باور-های مذهبی دین یهود رسوائی آمیز و نفرت انگیز بود. اکثر آنها را کسانی تشکیل می دادند که دارای باور-ها و فرهنگ-های شدید مذهبی-سنتی بودند. این باور-ها و واقعیت-های جامعه مدرن انشعابات متعددی را بوجود آورد از آن جمله

تامی (Tami) حزب مذهبی-سنتی مهاجرین مراکش

این حزب در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد. اکثر اعضای آنرا مراکشی-های مهاجر تشکیل میدادند. این حزب هیچ برنامه انتخاباتی نداشت و در سال ۱۹۸۴ یک نماینده در پارلمان داشت. ولی در ۱۹۸۸، با حزب لیکود وارد ائتلاف پارلمانی شد.

شاس (Shas) "نگهبان تورات" حزب مذهبی-سنتی مهاجرین تونسی

در سال ۱۹۸۴ تشکیل شد. یک حزب مذهبی-قومی، که تلاش داشت به مسائل ملی مذهبی مهاجرین تونسی پاسخ دهد. موقعیت شاس در انتخابات محلی ۱۹۸۴ کاملاً چشمگیر بود و در انتخابات ۱۹۸۸ دو برابر آگودا رای آورد.

احزاب بزرگ سیاسی اسرائیل

احزاب و سیستم سیاسی اسرائیل بدلیل مهاجرت یهودیان از نقاط مختلف دنیا کمی پیچیده بود. عقاید و سیستم تفکری مهاجرین اروپائی کاملاً با مهاجرین کشور-های آفریقائی و آسیائی متفاوت بود. شکاف-های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مهاجرین منجر به تشکیل احزاب گوناگون سیاسی و مذهبی شد، که هر یک منافع اقتصادی، اجتماعی خاصی را نمایندگی می کردند. بطور کلی احزاب سیاسی اسرائیل به سه گروه اصلی تقسیم میشوند.

۱- احزاب مذهبی

۲- احزاب سوسیال دمکرات و کمونیست

۳- احزاب ناسیونالیست و لیبرال

سوسیالیست-ها، حزب کارگر (Mapai, PT)

حزب کارگر در ۱۹۳۰ توسط دیود بن گوریون (David ben Gourion) و گلدمایر (Golda Meier) تشکیل شد و به مدت ۳۰ سال از ۱۹۷۷-۱۹۴۸ و بین دو جنگ جهانی قدرت را در دست داشت. حزب کارگر از سیاست سندیکائی

و از مالکیت عمومی بعضی از صنایع دفاع میکرد. در سال ۱۹۵۱، حزب کارگر و حزب کمونیست کنترل کامل دولت و سندیکای مرکزی، بخش‌های پزشکی، درمانی و مدارس را در دست داشتند.

این حزب هدف خود را رهائی از ایده‌های مذهبی، پذیرش صهیونیسم سوسیالیستی و پذیرش استانداردهای جامعه مدرن قرار داد. اهدافی که احزاب مذهبی به هیچ وجه پذیرای آن نبودند. حزب کارگر با گروه‌های لیبرال، مذهبی، اعراب و سوفا در روابط خوبی داشت و از حمایت آنها در انتخابات پارلمانی تا سال ۱۹۷۷ بر خوردار شد. سوفا در (مهاجرین آفریقائی و آسیائی) به مدت تقریباً ۳۰ سال هرگز در موسسات و تاسیسات دولتی حزب کارگر نقشی نداشتند. به همین دلیل، احزاب عرب فلسطینی و سوفا از حزب کارگر فاصله گرفتند. آنان برای نشان دادن مخالفت خود به لیکود رای دادند. و این موضوع یکی از دلایل شکست انتخاباتی حزب کارگر در ۱۹۷۷ و پس از آن شد. در انتخابات ۳۰ ژوئن ۱۹۸۱ حزب کارگر توانست اکثریت نسبی کرسی‌های پارلمانی را به خود اختصاص دهد. از ۹ نوامبر ۲۰۰۵ امیر پرتز (Amir peretz) رهبری این حزب را بعهده دارد.

حزب کمونیست (Mapam, PCI)

این حزب در سال ۱۹۴۸ بوجود آمد. دومین حزب بزرگ سیاسی در اسرائیل بود که در انتخابات ۱۹۴۹، ۱۵٪ آراء را از آن خود ساخت. و این موفقیت را تا سال ۱۹۵۰ حفظ کرد. وفاداری این حزب به استالین و واکنس او در مراسم مرگ استالین تاثیر بسیار منفی در بین مردم اسرائیل داشت. به جز این موضوع، فشار استالین به جامعه پزشکان یهودی در جریان "توطئه بلوز سفید-ها" در سال ۱۹۵۳ می توان اشاره کرد از ویژگی‌های این حزب می توان به موارد زیر اشاره کرد

۱-ضد صهیونیست (در جامعه صهیونیستی اسرائیل)

۲-طرفداری از شوروی (در جامعه اسرائیلی ضد شوروی)

۳-طرفداری از دولت مستقل فلسطینی (در جامعه ضد عرب)

این موضع گیری-ها، باعث بوجود آمدن انشعاباتی در حزب کمونیست اسرائیل شد. بطوریکه در انتخابات ۱۹۵۵، تنها موافق به کسب ۷,۳٪ آراء پارلمانی شد. به همین دلیل این حزب تصمیم گرفت از شوروی فاصله بگیرد. در تمام این سالها تا ۱۹۷۷ با حزب کارگر در ائتلاف پارلمانی شرکت کرده و در دولت اسرائیل نقش مهمی بعهده داشت. درانتخابات ۱۹۸۸ فقط توانست ۲,۵٪ آراء را به خود اختصاص دهد. از سال ۱۹۹۰-۱۹۸۴ که حزب کارگر با لیکود ائتلاف "اتحاد ملی" را تشکیل دادند، حزب کمونیست در این اتحاد شرکت نکرد

در سال ۱۹۹۲، حزب کمونیست با راتز (**Ratz**) ائتلافی را تشکیل داد بنام (کمپ صلح) و در ۱۹۹۶ رسماً در حزب راتز ادغام شد و از این تاریخ به بعد دیگر حزبی بنام حزب کمونیست وجود خارجی نداشت

احزاب لیبرال

لیبرال-ها بیشتر مجموعه-ای از شخصیت-های معروف و مهم اسرائیلی بودند، مانند وایزمن، اولین رئیس جمهور اسرائیل.

در سال ۱۹۳۵ به دو گروه تقسیم شدند.

۱-صهیونیست-های لیبرال مستقل **PLI**

۲-صهیونیست-های محافظه کار

صهیونیست-های محافظه کار از بخش خصوصی و خصوصی سازی حمایت میکردند. این حزب خواهان جدائی احزاب سیاسی از دولت بود و شدیداً طرفدار کشور-های غربی در واقع کشور-های امپریالیستی . هر دو انشعاب در سال ۱۹۴۶ به هم پیوستند و برای بار دوم در سال ۱۹۴۸ از هم جدا شدند. در ۱۹۵۲، لیبرال-های محافظه کار با موشه شارتر (**Moshe Sharett**) برای کسب کرسی -های پارلمانی به توافق رسیدند با این شرط که دولت جدید جیره غذائی و لباس که از سال ۱۹۴۹ به اجراء گذاشته شده بود را حذف کند. بالاخره هر دو گروه لیبرال در سال ۱۹۶۱، حزب لیبرال جدیدی را بوجود آوردند بنام لیبرال (**Libéral**) برنامه آنها کاملاً در چهار چوب نظرات لیبرالی بود مانند:

۱-دفاع از آزادی-های فردی

۲-حمایت از کارفرمایان، پیمانکاران، مالکین

۳-ملی کردن سرویس-های اجتماعی با هدف تضعیف سندیکالیسم

این حزب در سال ۱۹۵۱ در انتخابات ۱۷ کریس را بدست آورد. لیبرال-ها و ناسیونالیست-ها به رهبری هروت در سال ۱۹۶۵ موفق به ائتلافی به نام گوהל (Gohal) شدند. این ائتلاف موفق به کسب ۲۵ کرسی پارلمانی شد. در همین سال حزب لیبرال مستقل PLI از آن جدا شد.

لیکود (Likoud)

معروف به حزب راست افراطی در سال ۱۹۷۳ با اتحاد احزاب دست راستی چون هروت " آزادی" (Hérouit) متعلق به مناخیم بگین، حزب لیبرال و چند گروه کوچک دیگر به کمک شارون (Ariel Sharon) تشکیل شد. استراتژی شارون کاملا روشن بود. برای گرفتن قدرت باید به افکار عمومی نشان داد که تمام احزاب دست راستی با هم متحد هستند و می توانند در عرصه سیاسی نیرو و وزنه-ای قدرتمند باشند. در کمتر از ۴ سال شارون موفق شد برای اولین بار پس از ۲۹ سال قدرت را بدست آورد. بترتیب بگین، شامیر، و شارون یکی پس از دیگری بعنوان نخست وزیر روی کار آمدند.

دلایل اصلی که باعث موفقیت لیکود در انتخابات شد عبارتند از

۱- جنگ کپور (Kippour) ضعف حزب کارگر در پیشبرد جنگ

۲- بحران اقتصادی سال ۱۹۷۳ و ناتوانی حزب کارگر در پاسخ به این بحران

۳- نارضایتی سوفراد (مهاجرین آفریقائی و آسیائی) از حزب کارگر

در حزب کارگر سوفراد هیچ نقشی در دولت این حزب نداشتند. لیکود از این نارضایتی استفاده کرد و با دادن چند پست دولتی توانست حمایت آنها را جلب کند. در واقع لیکود بکمک احزاب مذهبی مانند آگودا و ناسیونالیست-ها و سوفراد بقدرت رسید. لیکود در سال ۱۹۷۷ به اسرائیل بزرگ اعتقاد داشت و مخالف صلح با فلسطینی-ها و عقب نشینی از سر زمین-های اشغالی بود. هدف لیکود مخالفت شدید با تشکیل دولت مستقل فلسطینی بود. در سال ۱۹۸۸ بار دیگر لیکود با ائتلاف احزاب مذهبی و ناسیونالیست توانست در راس دولت قرار گیرد.

پس از به قدرت رسیدن، لیکود بودجه قابل توجهی را به ارتش و صنایع نظامی اختصاص داد و بگین با دکترین اسرائیل بزرگ و با همکاری موشه دایان (Moshe Dayan) ارتش را تقویت کردند بگین اعتقاد داشت که اورشلیم، ساحل غربی رود اردن، سینا و بلندی‌های جولان میراث اجدادی و بخش‌های جدانشدنی اسرائیل هستند. پس از پذیرفتن طرح عقب نشینی از مناطق اشغالی در اوت ۲۰۰۵ دولت اسرائیل با بحران سیاسی روبرو شد. و برای خاتمه به بحران سیاسی و پایان دادن به نفوذ لیکود شارون حزب دیگری بنام کدیما (Kadima) را تشکیل داد. شارون مجبور شد با تشکیل دولت مستقل فلسطینی موافقت کند. بسیاری از شخصیت‌های سیاسی اسرائیل از حزب جدید حمایت کردند، مانند شیمون پرز. شارن در نیمه دسامبر ۲۰۰۵ دچار حمله مغزی و از صحنه سیاسی خارج شد. در حال حاضر، اولمر (Olmert) نخست وزیر اسرائیل رهبری این حزب را بعهدہ دارد. در جنگ اسرائیل - حزب الله لبنان، در تابستان ۲۰۰۶ بحران سیاسی به اوج خود رسید. اولمر، برای برون رفت از این بحران لیبرمن (Lieberman) رئیس یکی از احزاب بنیادگرا راست را بعنوان معاون نخست وزیر انتخاب کرد. این انتخاب مورد انتقاد شدید حزب کارگر واقع شد و امیر پرز وزیر دفاع، دولت اولمر را تهدید به استعفاء کرد. ولی در نهایت با این عنوان که کشور در شرایط بحرانی است در دولت اولمر باقی ماند.

اهداف کدیما :

۱-مهمترین هدف شارون خاتمه دادن به نفوذ و سلطه لیکود و حزب کارگر بود

۲-به رسمیت شناختن دولت فلسطین و کنترل اسرائیل بر تمامی شهر اورشلیم

در ۲۹ مارس ۲۰۰۶، مذاکرات بین کدیما و شاس (مهاجرین تونسسی) و حزب کارگر به ائتلافی انجامید که موفق شد ۶۰ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمانی را به خود اختصاص دهد.

منابع و کتاب‌های استفاده شده:

- 1-Les partis religieux ken Israël
Presses Universitaires de France 1991
- 2- Le système politique israélien
Presses Universitaires de France 2000
- 3-Les palestiniens (Un siècle d'histoire)

Editions : Complexe 1997, ISBN

4-La Palestine en marche

Ben Porat et Dany Rubinstein

Edition : Flammarion ; France 1996

5-Du rêve sioniste à la réalité israélienne

Mitchell Cohen

Edition : la Découverte, Paris 1990

6-Paix ou guerre

Charles Enderlin

Editions : Stock ; 1997

7-Essai sur Israël

Friedrich Dürrenmatt

Editions: Office fédéral de la culture Suisse, 2002

8--<http://fr.wikipedia.org/wiki/Mapam>

<http://fr.wikipedia.org/wiki/Likoud>

<http://fr.wikipedia.org/wiki/Kadima>

http://fr.wikipedia.org/wiki/Politique_d%27Isra%C3%AB

<http://fr.wikipedia.org/wiki/Sionisme>

http://fr.wikipedia.org/wiki/Histoire_du_sionisme